

انقلاب اسلامی و اخلاق اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره): از نظریه تا عمل

محمد احسانی

استادیار پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص)

mohammadehsanni@gmail.com

چکیده

این مقاله به منظور تبیین اخلاق اجتماعی از نگاه امام خمینی (ره) با روش توصیفی تحلیلی در فضای کتابخانه بر اساس منابع مکتوب و استناد به آثار نوشتاری و گفتاری حضرت امام (ره) تدوین یافته است. در گردآوری داده‌ها از روش کیفی تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از آثار گفتاری و نوشتاری حضرت امام (ره) استفاده شده است. پاسخ سؤال‌های طرح شده با ذکر مطالب ذیل به خوبی بیان شده است. اخلاق از منظر امام خمینی (ره) همان نظام اخلاق اسلامی است که در قرآن و حدیث و سیره معصومین (ع) بیان شده است. اخلاق از دیدگاه امام (ره) دارای جامعیت است و به همه ابعاد حیات انسان، اعم از زندگی دنیا و آخرت و فردی و اجتماعی، توجه کرده و باید‌ها و نبایدهای عملی را در این زمینه ارائه داده است. هدف نهایی اخلاق از منظر امام ره تقرب روحی و معنوی به خدای متعال است و هراندازه این قرب بیشتر شود، ارزش و کمال انسان افزایش می‌یابد. اخلاق اجتماعی از نگاه امام (ره) دارای مبانی فکری و انسان‌شناسی است که به مهم‌ترین آن‌ها در این مقاله اشاره شده است. ارزشمندی، اراده و اختیار و کمال‌خواهی انسان از جمله بنیان‌های نظری انسان‌شناختی اخلاق اجتماعی را تشکیل می‌دهند که در رفتارهای اجتماعی انسان تأثیر بسزا دارند. جامع‌نگری، اعتدال‌گرایی، تقدیم معنویات بر مادیات، عقلانیت، انگیزه و مطلوب‌نهایی از دیگر پایه‌های نظری اخلاق اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره) هستند و هرکدام نقش اساسی در عملکرد آدمی دارد. در بخش اخلاق عملی در دو بعد رفتارهای سیاسی و اجتماعی به برخی از دیدگاه‌ها و سیره اخلاقی حضرت امام (ره) مانند عدالت اجتماعی، رحمت و مهربانی، خدمت‌گزاری به مردم و اهتمام به بیت‌المال مسلمین اشاره شده که امام (ره) هم خود به آن‌ها عمل کرده و هم دیگران را به رعایت این ارزش‌های اخلاقی سفارش نموده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، اخلاق، اخلاق نظری، اخلاق عملی، رفتار اجتماعی، رفتار سیاسی.

مقدمه

اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، بخش مهم دین اسلام و تأثیرگذار بر روابط اجتماعی است. نحوه رفتار بین افراد و چگونگی برخورد آنان با همدیگر، مبتنی بر نظام اخلاق اجتماعی پذیرفته شده در جامعه دینی است. پیامبر اسلام^(ص) برای تکمیل اخلاق کریمه برانگیخته شد تا نظام اخلاق اجتماعی موجود در میان عرب جاهلی را تغییر دهد. قرآن در توصیف رفتار آن حضرت می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری. « رهبران دین با تأسی به انبیا و ائمه اطهار^(ع) در واقع ترویج‌کنندگان اخلاق الهی هستند؛ به‌ویژه امام خمینی^(ع) اخلاق حسنه را در قول، نظریه و عمل، به جامعه انسانی ارائه داد و به آن توصیه نمود. چون امام^(ع) هم فیلسوفی عارف بود و هم الگویی کامل رفتاری برای امت اسلامی. این مقاله نخست اخلاق را در دو بخش نظری و عملی و سپس اخلاق اجتماعی و سیاسی را در حیطه عمل با عناوین فرعی مربوطه با استناد به سخنان و سیره حضرت امام^(ع) بررسی کرده است.

سؤال اصلی این تحقیق این است که از منظر امام خمینی^(ع) انقلاب اسلامی و اخلاق اجتماعی چه رابط‌های دارند؟ پیرامون این سؤال پرسش‌های دیگری به این شکل مطرح است که: اخلاق بر چه پایه‌های انسانی استوار است؟ اخلاق از منظر امام^(ع) چه ویژگی‌هایی دارد؟ اخلاق عملی در دو حوزه سیاسی و اجتماعی چه ویژگی‌هایی از دیدگاه امام^(ع) دارد؟

پاسخ این سؤال‌ها به‌صورت اجمال با روش کیفی جمع‌آوری داده‌ها از منابع مورد نیاز و مربوط به تحقیق، به شکل منطقی داده شده است. در مجموع سؤال‌های طرح شده پاسخ لازم را دریافت کرده چنان‌که خوانندگان با دقت در مطالب مندرج در مقاله به این مطلب اذعان خواهند کرد.

قلمرو موضوع

هرچند موضوع اخلاق دارای ابعاد مختلف بوده و دیدگاه‌های حضرت امام^(ع) در این زمینه بسیار گسترده است، در این نوشتار به اجمال به نظریات کلی امام^(ع) به اخلاق اجتماعی در دو بعد نظری و عملی و به‌عبارت‌دیگر از نظریه تا عمل که شامل مبانی و رفتارهای سیاسی و اجتماعی است، اشاره می‌شود. ارتباط اخلاق نظری و اخلاق عملی در حیات آدمی بسیار عمیق و روشن است؛ به‌نحوی که رفتارهای فردی و اجتماعی

انسان ناشی از پایه‌های نظری اخلاق دارد که در اندیشه او رسوخ کرده و استقرار یافته است.

الف) اخلاق نظری از منظر امام خمینی^(ع)

منظور از نظریه اخلاقی یا اخلاق نظری دیدگاه‌های بنیادین در زمینه بود و نبود حقایق جهان تکوین است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۵) این دیدگاه‌ها مبانی اخلاق را تشکیل داده بر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارند. نگرش به انسان، حقیقت و آینده او و همچنین شناخت بنیادهای ارزش اخلاقی، به رفتار و رابطه انسان با دیگران رنگ ویژه‌ای می‌بخشند. در این قسمت از نوشتار به دو دسته از مبانی اخلاق، مبانی انسان‌شناسی و مبانی اخلاق عملی از منظر امام^(ع) اشاره می‌شود. از این دو دسته به مبناهایی پرداخته می‌شود که نقش آن‌ها در رفتار اخلاقی و شیوه برخورد با دیگران روشن‌تر و برجسته‌تر است.

یک) انسان از منظر امام خمینی^(ع)

انسان‌شناسی دامنه گسترده دارد و از مبانی اثرگذار بر رفتار اخلاقی و اجتماعی است. هدف مقاله اشاره به آن بخش از ویژگی‌های انسان و مبانی انسان‌شناسی است که در اخلاق و تکامل اخلاقی فرد تأثیر بیشتر دارند؛ به نحوی که با وجود آن مبانی، سخن از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی شایسته است و در غیر آن رفتار اخلاقی معنی و مفهومی نخواهد داشت. امام خمینی ره دیدگاه ویژه و جامع به انسان و زندگی مادی و معنوی او دارد که این دیدگاه مبتنی بر آیات و روایات است و به جرئت می‌توان گفت انسان از منظر امام ره همان انسان از دیدگاه اسلام و قرآن است که همه انبیا و کتب آسمانی برای ساختن و پرورش او آمده‌اند.

۱. ارزشمندی انسان

انسان از منظر امام^(ع) موجودی است ارزشمند که خداوند او را به‌عنوان خلیفه خویش در زمین معرفی کرده است. (بقره: ۳۰) او نسبت به مخلوقات دیگر دارای کرامت ذاتی است که قرآن کریم به آن تصریح فرموده: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسرا: ۷۰) ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم. « آنچه از منظر امام^(ع) مهم است ارزشمندی انسان

از جنبه روحی و ملکوتی اوست که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛ (حجرات: ۱۳) گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست. «امام^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «عظمت انسان به روحیت روح او است. عظمت انسان به اخلاق و رفتار و کردار انسان است، نه به اینکه اتومبیلش سیستم کذا باشد، نه به اینکه گارد داشته باشد، نه به اینکه خدمه داشته باشد. این‌ها عظمت انسان نیست، این‌ها انسان را از آن مقامی که دارد منحط می‌کند.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۲۸۷/۱۳)

با نظر به کرامت روحی و معنوی انسان امام^(ع) می‌فرماید: «پس انسان اسم اعظم الهی است و سایه بلند او و خلیفه خدا در همه عوالم و {او} با فیض اقدس خدای تعالی و ظل ارفعش تجلی کرد.» (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۶۶) امام^(ع) در رفتارهای عملی به کرامت و ارزشمندی ذاتی و اکتسابی انسان توجه کامل داشت و همیشه رفتار حسنه و برخورد پدرا نه با اقشار مختلف جامعه از خود نشان می‌داد. اگر با جوانان و سالمندان برخورد می‌کرد، همان رفتاری را داشت که با کودکان و نوجوانان از او مشاهده می‌شد. افزون بر این، به مسئولان و سیاستمداران نظام نیز همواره حسن رفتار با مردم را توصیه نموده می‌فرمود. «در همه قشرها، در همه کارها با آن‌ها خوش رفتاری کنید. یک وقت خدای نخواستہ یکی را {که} کار دارد بیاید در آنجا، فَرَّاشِ راهش ندهد یا مدتی معطل بشود یا توی اتاق نگذارند بیاید، این‌ها این طور نباشد.» (امام خمینی، ۱۳۵۷: ۳۷۹/۱۳)

۲. اراده و اختیار انسان

انسان موجودی است دارای اراده و اختیار که می‌تواند آزادانه تصمیم بگیرد و مسیر درست را در زندگی انتخاب نماید. مختار بودن انسان به‌عنوان یک مبنای اساسی در همه نظام‌های اخلاقی پذیرفته شده و با پذیرش آن، سخن از تربیت، تزکیه و تهذیب اخلاق قابل طرح است. (مصباح یزدی، ۱: ۲۵/۱۳۸۴) این مبنا از نظر اسلام پذیرفته شده و وظایف دینی و تربیت انسانی بر این اساس مورد توجه قرار گرفته است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس. «امام^(ع) در ارتباط با دسترسی انسان به حیات اخروی که به نظر ایشان مبتنی بر اراده و اختیار است، می‌فرماید: «راه آخرت راهی است که جز با قدم اختیار نمی‌توان آن را پیمود؛

سعادت با زور حاصل نشود؛ فضیلت و عمل صالح بدون اختیار فضیلت نیست و عمل صالح نمی‌باشد؛ و شاید معنی آیه شریفه «لَا اَكْرَاهُ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶) نیز همین باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۳۷) «و اگر ممکن بود {خداوند} اکراهاً مردم را به سعادت برسانند، می‌رساندند.» (همان)

انسان از نگاه امام (ع) موجودی مختار، انتخاب‌گر و دارای قدرت تصمیم‌گیری است که می‌تواند هنگام قرار گرفتن بر سر دوراهی‌ها، راه درست را انتخاب کند. امام (ع) عزم و اراده را در انتخاب راه صحیح و رهایی از وابستگی‌های مادی ضروری دانسته در توصیه‌های اخلاقی خود می‌فرماید: «ای عزیز! بکوش صاحب عزم و دارای اراده شوی که خدانخواستہ اگر بی‌عزم از این دنیا هجرت کنی، انسان صوری بی‌مغزی هستی که در آن عالم به‌صورت انسان محشور نشوی.» (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۸) در ادامه می‌فرماید: «پس ای برادر! از معاصی احتراز کن و عزم هجرت به سوی حق تعالی نما و ظاهر را ظاهر انسان کن و خود را در سلک ارباب شرایع داخل کن و از خداوند تبارک و تعالی بخواه که تو را در این مقصد همراهی بفرماید.» (همان)

۳. کمال خواهی انسان

کمال خواهی به‌عنوان یک اصل فطری انسان در دو حوزه حقیقت‌جویی و قدرت‌طلبی بروز می‌کند. این اصل به‌صورت تجربی قابل درک است و هرکس می‌تواند هم در خود تجربه کند و هم در رفتار دیگران مشاهده نماید. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۴۵/۲) قدرت‌طلبی و حقیقت‌جویی هر دو دارای جلوه‌های بیرونی هستند که در عرصه اجتماع مورد تأیید یا رد نظام‌های اخلاقی قرار می‌گیرد. اسلام با دید جامع و عمیقی که به انسان دارد، اصل کمال‌خواهی وی را پذیرفته و آن را در جهت تکامل حقیقی و معنوی فرد هدایت می‌کند. از این نظر، حقیقت‌جویی و قدرت‌طلبی باید به‌گونه‌ای باشند که انسان را به خدا نزدیک نموده و به سعادت ابدی نائل سازند. (همان: ۱۲۸) کمال‌خواهی انسان به نظر امام (ع) حد یقف ندارد تا اینکه انسان به کمال نهایی خویش یعنی تقرب به خدای متعال دست یابد.

امام (ع) در این زمینه می‌فرماید: «کسانی که کمال را در سلطنت و نفوذ قدرت و بسط ملک دانسته‌اند و اشتیاق به آن پیدا کرده‌اند، اگر چنانچه سلطنت یک مملکت را دارا شوند متوجه مملکت دیگر شوند، و اگر آن مملکت را در تحت نفوذ و سلطه

درآوردند، به بالاتر از آن متوجه شوند، و اگر یک قُطری را بگیرند، به اقطار دیگر مایل گردند، بلکه آتش اشتیاق آن‌ها روزافزون گردد، و اگر تمام روی زمین را در تحت سلطنت بیاورند و احتمال دهند در کرات دیگر بساط سلطنتی هست، قلب آن‌ها متوجه شود که ای کاش ممکن بود پرواز به سوی آن عوالم کنیم و آن‌ها را در تحت سلطنت درآوریم. و بالجمله، حال تمام سلسله بشر در هر طریقه و رشته‌ای که داخل‌اند به هر مرتبه‌ای از آن که رسند، اشتیاق آن‌ها به کامل‌تر از آن متعلق گردد و آتش شوق آن‌ها فرونشیند و روزافزون گردد.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۱۴۳)

در این جملات به خصوصیت کمال‌خواهی انسان اشاره شده و چنین استفاده می‌شود که کمال‌خواهی از نظر امام^(ع) لازمه وجود آدمی است و هرکس این ویژگی را در خود دارد. کمال‌خواهی به‌نحوی که است که به هیچ کمالی جز کمال مطلق بسنده نمی‌کند؛ چون هر کمالی در جهان وجود دارد، محدود است. این صفت خدادادی باید در افراد تقویت شود و در مسیر نیل به کمال مطلق که آفریدگار جهان است، هدایت گردد.

دو) ویژگی‌های اخلاق از منظر امام خمینی^(ع)

دیدگاه امام^(ع) به اخلاق و ویژگی‌های آن برآمده از اسلام و قرآن و در حقیقت بیانگر نظام اخلاق اسلامی است. اخلاق به بایدها و نبایدهایی اطلاق می‌شود که جلوه‌های بیرونی دارد و در عملکرد فردی و اجتماعی انسان بروز می‌کند. برخوردها، روابط بین افراد و در مجموع رفتارهایی که از انسان در ارتباط با دیگران سر می‌زنند، مصداق مفاهیم اخلاقی همچون خوب و بد قرار می‌گیرند و این اتصاف، به آن رفتارها، خصوصیت ارزشی می‌بخشد. همین اتصاف رفتار به و صف خوبی یا بدی عوامل و محرک‌های متعدد دارد که نگاه امام^(ع) به آن مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. جامع‌نگری به اخلاق

نظام اخلاق اسلام از دیدگاه امام^(ع) یک نظام جامع و فراگیر است، هم به زندگی دنیا و آخرت توجه دارد و هم اخلاق فردی و اجتماعی را با تمام ابعادش، مورد نظر قرار داده است. از این نظر انسان وظیفه دارد هم نیازهای دنیای خود و خانواده‌اش را تأمین کند و هم برای حیات پس از مرگ خویش سرمایه‌گذاری نماید. خداوند در قرآن به همه انسان‌ها دستور داده می‌فرماید: «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ

مِن الدُّنْيَا»؛ (قصص: ۷۷) و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهر هات را از دنیا فراموش مکن. «حضرت امام (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مکتب‌های توحیدی که در رأس آن‌ها مکتب اسلام است، در عین حال که به مادیات و با مادیات سروکار دارند، لکن مقصد {اصلی} این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات، حجاب آن‌ها برای معنویات نباشد. {بلکه} مادیات را در خدمت معنویات می‌کشند.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۲۸۸/۹) امام (ع) زندگی مادی را مقدمه نیل به حیات اخروی دانسته، پیوند عمیق میان آن دو قائل است. چنان‌که در این مورد فرمود: «{مکتب اسلام} نسبت به مادیات نظر دارد {و} نسبت به زندگی دنیا نظر دارد، در عین حال مردم را متوجه به معنویات می‌کند و از ظلمات ماده نجات می‌دهد.» (همان: ۲۸۹) این کلمات امام (ع) نشان‌دهنده توجه جدی ایشان به زندگی دنیا و آخرت است و بر این اساس رفتارهای اخلاقی با نظر به این دو جهت، قابل ارزیابی است.

در بعد اخلاق فردی مشارطه، مراقبه و محاسبه را جهت کنار نهادن اخلاق رذیله و تخلق به اخلاق حسنه از مراحل مهم سیر و سلوک الی الله معرفی کرده می‌فرماید: «از اموری که لازم است از برای مجاهد، مشارطه و مراقبه و محاسبه است. مشارطه آن که در اول روز مثلاً با خود شرط کند که امروز برخلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکند و این مطلب را تصمیم بگیرد.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۹) «و پس از مشارطه، باید وارد «مراقبه» شوی و آن، چنان است که در تمام مدت شرط متوجه به آن باشی و خود را ملزم بدانی به عمل کردن به آن...» «و به همین حال باشی تا شب که موقع «محاسبه» است و آن عبارت است از این که حساب نفس را بکشی در این شرطی که با خدای خود کردی که آیا به‌جا آوردی {و} با ولی نعمت خود در این معامله جزئی خیانت نکردی؟ اگر درست و فا کردی، شکر خدا کن در این توفیق و بدان که یک قدم پیش رفتی و مورد نظر الهی شدی.» (همان)

در بعد اخلاق اجتماعی توصیه‌های امام (ع) فراوان است و در واقع تمام فعالیت‌های ایشان برای اصلاح جامعه صورت گرفته است. امام (ع) در این مورد می‌فرماید: «ما صلاح جامعه را می‌خواهیم؛ ما تبع پیغمبرهایی هستیم که آمده‌اند برای اصلاح جامعه، آمده‌اند برای اینکه جامعه را به سعادت برسانند. آن‌هایی که کورند و نمی‌فهمند، آن‌ها را با زور می‌خواهد به سلامت و به سعادت برساند؛ آن‌ها که بینا هستند می‌روند دنبالش. ما به تبع آن‌ها می‌خواهیم این جامعه خودمان را سعادت‌مند کنیم. ما از این

گرفتاری‌هایی که ایران دارد و جامعه ما دارد متأثریم، متأسفیم.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۵۵/۵) این سخن امام^(ع) در ارتباط با اخلاق اجتماعی است که شیوه خود را روش انبیا معرفی کرده و با الهام از پیامبران الهی اصلاح جامعه را سرلوحه برنامه‌های خویش بیان کرده است.

در نتیجه نگاه امام^(ع) به اخلاق نگاه جامع است و اخلاق اسلامی را شامل همه عرصه‌های حیات انسانی می‌داند. اخلاق اجتماعی و رعایت ارزش‌های دینی در ارتباط با دیگران از منظر امام^(ع) اهمیت ویژه دارد. چرا که اصلاح جامعه جزو مهم‌ترین وظایف همه انبیا بوده و تمامی پیامبران برای تحقق آن تلاش کرده‌اند. امام^(ع) خود بر اساس وظیفه قیام کرد و انقلاب اسلامی را برای تربیت دنی و اجتماعی مردم شکل داد.

۲. تقدیم معنویات بر مادیات

مادیت و معنویت بر اساس هویت دوگانه انسان که عبارت از جسم و روح است همواره در حیات آدمی حضور دارند. آنچه مهم است شیوه برخورد با این دو پدیده است که انسان کدام را در اولویت قرار داده بر دیگری مقدم بدارد. نظام‌های اخلاقی موجود در دنیا در اولویت‌دهی به مادیت و معنویت و به تعبیر بهتر دنیا و آخرت روش‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. مکتب‌های مادی مسلک مادیات و حیات دنیایی را مهم تلقی کرده، برای رسیدن به آن ارتکاب هر جرمی را جایز می‌دانند. بعضی از نحله‌های معنویت‌گرا مادیات را از زندگی حذف نموده و مسیر رهبانیت و انزوا را پیش گرفته‌اند. اسلام با دوری از افراط و تفریط راه اعتدال و میانه را به مسلمانان معرفی کرده و ضمن استفاده از نعمت‌های مادی اولویت را به معنویات و حیات اخروی می‌دهد. امام^(ع) در این مورد می‌فرماید: «انسان معنویات دارد، مادیات دارد» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱۸۴/۴) {ولی} «عمده، معنویات یک مملکت است؛ ما را از معنویات دور کرده‌اند، نگذاشتند رشد معنوی بکنیم. و من از خدا می‌خواهم که معنویات ما را رشد بدهد، توجه ما را به خدای تبارک و تعالی [رشد بدهد]. (همان: ۴۱۲/۴) امام^(ع) در جای دیگر می‌فرماید: «یک مسئله که در رأس امور است معنویات است. ما باید کوشش کنیم که معنویات را در بین این ملت عزیز و در بین مسلمین پیاده کنیم. مردم را دعوت به معنویات و دعوت به اخلاق اسلامی و آداب فرهنگ اسلامی کنیم.» (همان) امام^(ع) در بیان دیگر خطاب به غریبان می‌فرماید: «ما امیدمان به خداست و می‌یوس

از خدا نیستیم؛ و بر مشکلات به امید خدا غلبه می‌کنیم. و به مادیات این نظر را نداریم؛ غلبه را با مادیات نمی‌دانیم. غلبه با معنویات است. و مادامی که شَعْبِ ما به خدای تبارک و تعالی اتکال بکنند، پیشرفت خواهند کرد. و اگر خدای نخواستہ انحراف پیدا شد، زوال برای همه هست. « (همان: ۱۸۱/۶)

امام^(ع) در این فرازها به اولویت معنویت اشاره کرده، توجه به معنویات را عامل پیروزی و موفقیت بشر دانسته است. در کلام دیگر خطاب به غریبان می‌فرماید: «من متأسفم که شما غربی‌ها معنویات را فدای مادیات کردید و مصالح مادی را بر معنویات مقدم داشتید. همین امر موجب این بدبختی‌هاست. آنچه بشر را مترقی می‌کند، معنویات است. معنویات می‌تواند بشر را سعادتمند کند و آرامش ایجاد کند. مادیات است که بشر را به جان هم انداخته است.» من توصیه می‌کنم که شما غربی‌ها به معنویات توجه کنید. شما مدعی هستید که مسیحی هستید؛ ببینید سیره حضرت مسیح چه بوده است. سیره حضرت مسیح را روش خود قرار دهید تا سعادت برای شما حاصل شود. ما می‌خواهیم رژیم‌های ایجاد کنیم که روش حضرت مسیح در آن مورد توجه است. « (همان: ۵۸۲/۵)

۲. اعتدال‌گرایی در اخلاق

اعتدال در مقابل افراط و تفریط به میانه‌روی در اندیشه و عمل اطلاق می‌شود و منظور از اعتدال‌گرایی در این مقاله اعتدال در رفتارهای اجتماعی است. اعتدال و حد وسط میان افراط و تفریط جایگاه خاصی در اخلاق دارد و از دیر زمان در علم اخلاق مورد بحث بوده است. امام^(ع) اعتدال‌گرایی در اخلاق را باور داشت و در عمل به آن پایبند بود؛ هیچ‌گاه افراط و تفریط در رفتار امام^(ع) وجود نداشت و با لینت و نرمی با دیگران برخورد می‌کرد.

امام^(ع) در تبیین «فریضه عادلانه» در حدیث ۲۴ از چهل حدیث می‌فرماید: «حسن خلق خروج از حد افراط و تفریط است؛ و هر یک از دو طرف افراط و تفریط مذموم، و «عدالت»، که حد وسط و «تعديل» بین آنهاست، مستحسن است. مثلاً شجاعت، که یکی از اصول و ارکان اخلاق حسنه و ملکه فاضله است، عبارت است از حالت متوسطه و معتدله بین افراط، که از آن تعبیر شود به تهور - و آن عبارت است از نترسیدن در مواردی که ترس سزاوار است - و بین تفریط، که از آن تعبیر شود به جبن - و آن

عبارت است از ترسیدن در مواردی که سزاوار ترس نیست.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۳۴۱) امام^(۵) در این بیان، معنای اعتدال را با ذکر مثال به خوبی روشن کرده و به حسن میانه‌روی و قبح افراط و تفریط تصریح فرموده است. در جای دیگر می‌فرماید: «بنابراین، اعتنا به این امور و خدای نخواستہ خروج از اعتدال و عدالت الهی و صراط مستقیم، انحراف است و اجتناب از آن، وظیفه الهی است. (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱۵۶/۱۹) امام^(۶) در یک نتیجه‌گیری کلی می‌فرماید: «بالجمله: برای انسان لازم است که عقل عملی داشته و قوا و آیینہ طبیعت را تعدیل کند و آن را از افراط و تفریط به درآورد، و اگر تعدیل کرد، چنان می‌شود که گویا قوای طبیعی و شیطانی و حیوانی ندارد؛ زیرا وقتی متضادین تعادل کردند از خاصیت می‌افتند؛ مثل اینکه اگر آب سرد و گرم را به یک اندازه ممزوج کنند، حرارت و برودت تعدیل شده و ملایم می‌شود و گویا حرارت و برودت نیستند.» (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳۸۳/۳)

۴. نقش عقل در اخلاق

امام^(۷) نخستین گام در اخلاق و خودسازی را تفکر و تعقل معرفی کرده، می‌فرماید: «بدان که اول شرط مجاهدۀ با نفس و حرکت به جانب حق تعالی «تفکر» است.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۶) تفکر به نظر ایشان عبارت از این است که «انسان لااقل در هر شب و روزی مقداری (ولو کم هم باشد) فکر کند در آن که او را در این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش و راحتی را از برای او فراهم کرده و بدن سالم و قوای صحیحہ که هریک دارای منافعی است که عقل هرکس را حیران می‌کند، به او عنایت کرده و این همه بسط و بساط نعمت و رحمت کرده و از طرفی هم این همه انبیا فرستاده و کتاب‌ها نازل کرده و راهنمایی‌ها نموده و دعوت‌ها کرده، آیا وظیفۀ ما با این مولای مالک الملوک چیست؟» (همان)

بی‌تردید عقل و اندیشه در این زمینه انسان را هدایت می‌کند به اینکه مقصود از این همه لطف و عنایت چیزی دیگری است و خلقت عالم بالا و بزرگ‌تری منظور است که این حیات مادی و حیوانی مقدمه نیل به آن حیات ابدی است. امام می‌فرماید: «انسان عاقل باید در فکر خودش باشد و به حال بیچارگی خودش رحم کند و با خود خطاب کند: ای نفس شقی که سال‌های دراز در پی شهوات، عمر خود را صرف کردی و چیزی جز حسرت نصیبت نشد، خوب است قدری به حال خود رحم کنی... از خدای

خود با عجز و زاری تمنا کن که تو را آشنا کند به وظایف خودت. « (عمان: ۷) «این تفکر زمینه‌ساز و رود به گام‌های بعدی مجاهده با شیطان و نفس اماره است. « (همان) امام (ع) ضمن اشاره به تقسیم عقل به عقل نظری و عقل عملی، علم و عمل را مستلزم همدیگر دانسته می‌فرماید: «گفته‌اند: برای انسان یک عقل نظری است که آن ادراک است، و یک عقل عملی است که کارهای معقوله را عملی می‌کند؛ ولی ما می‌گوییم: در هر دو، عمل لازم است و عقل نظری به عقل عملی برمی‌گردد؛ چنانکه عقل عملی هم به عقل نظری برمی‌گردد، و در نظری هم که درک و علم است، عمل لازم است. « (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۴۶۶/۳) امام (ع) در بیان دیگر عقل عملی را در تزکیه نفس و تحصیل فضائل اخلاقی ضروری معرفی کرده می‌فرماید: «بالجمله: برای انسان لازم است که عقل عملی داشته و قوا و آئینه طبیعت را تعدیل کند و آن را از افراط و تفریط به درآورد، و اگر تعدیل کرد، چنان می‌شود که گویا قوای طبیعی و شیطانی و حیوانی ندارد؛ زیرا وقتی متضادین تعادل کردند از خاصیت می‌افتند. « (همان: ۴۶۷)

از دیدگاه امام (ع) عقل هم در بعد نظری و درک فضائل اخلاقی و نشان دادن صراط مستقیم و هم در ایجاد تعدیل قوای نفسانی و تهذیب نفس نقش اساسی دارد. چون ایمان که ریشه و پایه اخلاق است، بدون درک یقینی حاصل نمی‌شود. امام (ع) در تحصیل ایمان می‌فرماید: «آنچه را عقل با قوت برهان و سلوک علمی ادراک کرده با قلم عقل به صفحه قلب بنگارد و حقیقت ذلّ عبودیت و عزّ ربوبیت را به قلب برساند و از قیود و حجب علمیّه فارغ گردد.» (همان: ۴۶۶) عقل عملی که مربوط به رفتار انسان است، در تحقق ایمان و طمأنینه که مرتبه بالاتر آن است ایفای نقش می‌کند. زیرا ایمان و اطمینان قلبی بدون اراده قوی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، عقل در اخلاق و دوری از رذایل و هدایت انسان به فضائل تأثیر بسزا دارد. نقش عقل در اخلاق کنفوسیوس برجسته نیست و بحث مستقلی در مورد آن ارائه نداده است. شاید اصطلاح عقل نظری و عقل عملی دز زمان او چندان رایج نبوده و بدین جهت نقش عقل در اخلاق را به‌روشنی بیان نکرده است.

۵. نقش انگیزه در اخلاق

از عوامل بسیار مهم در ارزش‌گذاری فعل اخلاقی انگیزه است، به نحوی که ارزش عمل به کیفیت انگیزه انجام دهنده آن بستگی دارد. زیرا ارزشمندی فعل از نظر اسلام

برخاسته از خلوص نیت فاعل است و هیچ عملی بدون اخلاص و قرار گرفتن در مسیر رضایت الهی ارزش ندارد. پیامبر اکرم (ص) در بیان نقش نیت و انگیزه در رفتار اخلاقی می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»؛ (بحار: ۲۱۲/۷۰) محققاً (ارزش) کارها به نیت آنهاست. اگر نیت الهی بود و کار برای خدا انجام شد، مورد پذیرش او قرار می‌گیرد، وگرنه حجم عمل هر اندازه زیاد باشد در نزد خداوند ارزشی ندارد. امام (ع) در تعریف نیت می‌فرماید: «{نیت} حالتی است نفسانی {و} وجدانی که پس از این امور {تصور شیء و تصدیق به فایده آن} پیدا شود، که از آن تعبیر به همت و تصمیم عزم و اراده و قصد می‌کنیم.» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۵۷)

از نظر امام (ع) هیچ عمل اختیاری بدون انگیزه نمی‌تواند باشد. در این زمینه می‌فرماید: «این {انگیزه} در جمیع افعال اختیاری موجود است و هیچ فعل اختیاری ممکن التَّخَلُّفِ از آن نیست. و این امر در تمام عمل حقیقتاً موجود است بدون شائبه مجاز.» (همان: ۱۵۳) بر این اساس، نیت و انگیزه با عمل قرین است و هر جا کاری انجام شود، انگیزه‌ای در آن وجود دارد. آنچه از دیدگاه امام (ع) دارای اهمیت بیشتر است، اخلاص در نیت است که انگیزه و قصد انسان از انجام کار باید الهی باشد. در این مورد می‌فرماید: «یکی از مهمات آداب نیت، که از مهمات جمیع عبادات است و از دستورات کلیه شامله است، «اخلاص» است. و حقیقت آن، تصفیه نمودن عمل است از شائبه غیر خدا، و صافی نمودن سر است از رؤیت غیر حق تعالی در جمیع اعمال صوریّه و لَبَّیّه و ظاهریّه و باطنیّه. و کمال آن، ترک غیر است مطلقاً و پا نهادن بر اتّیّت و انانیت و غیر و غیریت است یکسره.» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۶۱) امام (ع) در اثبات این مطلب به آیه «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»؛ آگاه باشید که دین خالص از آن خداست.» (زمر: ۳) استدلال کرده می‌فرماید: «و اگر یکی از حظوظ نفسانیّه و شیطانیه در دین باشد، خالص نخواهد بود؛ و آنچه خالص نیست، حق تعالی اختیار نفرموده؛ و آنچه شائبه غیریت و نفسانیت دارد از حدود دین حق خارج است.» (همان) از دیدگاه امام (ع) انگیزه پاک و خالص ارزش آفرین است و به عمل ارزش می‌دهد. چنان که امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «النّیة اساس العمل»؛ (شیروانی، ۱۳۸۴: ۵۱) نیت و انگیزه قلبی پایه عمل است.»

۶. مطلوب نهایی در اخلاق

انسان دارای اراده و اختیار است و کاری که موجود مختار انجام می‌دهد، هدفمند

است؛ زیرا فاعل مختار هدفی را در نظر می‌گیرد و برای رسیدن به آن هدف فعالیت می‌زند. هدف دارای مراتب و درجاتی است که در نظام اخلاق اسلامی، هدف نهایی اهمیت ویژه دارد. تمام رده‌های سلسله‌مراتب اهداف، به آن هدف نهایی منتهی می‌شوند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۲) مطلوب نهایی از دیدگاه اسلام قرب معنوی به خداوند است و هر اندازه این تقرب بیشتر و محکم‌تر باشد، مطلوب نهایی زودتر حاصل شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۰۹)

امام (ع) مطلوب نهایی را نیل به مقام قرب حق تعالی دانسته، بر این باور است که ایمان و عمل صالح در دست یافتن به آن نقش اساسی دارد. این کار باید در همین دنیا انجام گیرد و هر کس فرصت را غنیمت شمرده درصدد تکامل معنوی خود باشد تا به آن هدف دست یابد. در این زمینه می‌فرماید: «پس انسان باید در همین عالم، این چند صباح را مغتنم شمارد و ایمان را با هر قیمتی هست، تحصیل کند و دل را با آن آشنا کند. و این در اول سلوک انسانی صورت نگیرد، مگر آن که اولاً، نیت را در تحصیل معارف و حقایق ایمانیه خالص کند و قلب را با تکرار و تذکر، به اخلاص و ارادت آشنا کند تا اخلاص در قلب جایگزین شود؛ چه که اگر اخلاص در کار نباشد ناچار دست تصرف ابلیس به کار خواهد بود و با تصرف ابلیس و نفس - که قدم خودخواهی و خودبینی است - هیچ معرفتی حاصل نشود؛ بلکه خود علم التوحید بی‌اخلاص، انسان را از حقیقت توحید و معرفت دور می‌کند و از ساحت قرب الهی تبعید می‌نماید.» (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۰۵)

ب) اخلاق عملی از منظر امام خمینی (ع)

اخلاق عملی در مقابل اخلاق نظری به بایدها و نبایدهای رفتاری توجه دارد که در رفتار بیرونی ظهور پیدا می‌کند. هرچند بایدها و نبایدها به صورت کلی توسط عقل نظری قابل درک است، مانند حسن عدل و قبح ظلم، (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۵) ولی آنچه در جامعه کاربرد دارد و در رفتارهای فردی و اجتماعی تأثیرگذار است، اخلاق عملی است. چه اینکه نظام رفتاری جامعه از طریق آن تنظیم و از رفتارهای ناهنجار جلوگیری می‌شود. در اینجا به دو دسته از اخلاق عملی در بعد سیاسی و اجتماعی از نگاه امام خمینی (ع) اشاره می‌گردد.

یک) اخلاق اجتماعی

منظور از رفتار اجتماعی برخوردهایی است که در ارتباط با دیگران و در محیط جامعه صورت می‌گیرد. این نوع رفتارها به لحاظ اخلاقی قابل توجه است و امام^(ع) در زمینه بایسته‌های روابط اجتماعی دستورات فراوان دارد که در این قسمت به برخی آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی بخشی از عدالت به معنای عام در رفتارهای بین افراد کاربرد دارد. تعریف مشهور از عدالت اجتماعی: «رعایت حقوق افراد و اعطای حق به صاحب حق» است؛ جامع‌های که حقوق افراد و گروه‌ها رعایت گردد، از عدالت اجتماعی برخوردار است. (مطهری، ۱۳۶۸: ۸۰) این تعریف برداشتی است از کلام امام علی^(ع) که فرمود: «العدل یضع الامور مواضعها» (نهج البلاغه: ح ۴۳۷) عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد. عدالت اجتماعی در نگاه امام^(ع) به‌عنوان یک اصل تغییرناپذیر در روابط اجتماعی همواره مورد توجه بوده و آن را در گفتار و رفتار مورد تأکید قرار داده است. در این زمینه می‌فرماید: «عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت‌ها و امثال این‌ها، که در صدر اسلام یا قبل از اسلام، از آن‌وقت که انبیاء مبعوث شدند، وجود داشته و قابل تغییر نیست، عدالت معنایی نیست که تغییر بکند، یک وقت صحیح و زمانی غیر صحیح باشد.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱/۱۱)

عدالت اجتماعی از منظر امام^(ع) هدف همه انبیای الهی بوده و تمامی پیامبران برای اقامه قسط در جامعه آمده و در تحقق آن تلاش کرده‌اند. در این موضوع می‌فرماید: «انبیای عظام (سلام الله علیهم) از آدم تا خاتم که تشریف آورده‌اند و انبیای بزرگ اولی‌العزم که در بین مردم تشریف داشته‌اند، همه آن‌ها برای این [بودند] که پرچم توحید را و عدالت را در بین ملت‌ها برپا کنند.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۹۹/۱۷) امام^(ع) ریشه عدالت را در ایمان به مبدأ و معاد دانسته می‌فرماید: «اگر ما بیدار بشویم و بفهمیم که ما از خدا هستیم و به او رجوع می‌کنیم: «أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ (بقره: ۱۵۶) ما از آن خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم.» اگر این دو کلمه را ما در زندگی بفهمیم که ما از او هستیم و همه از اوست و ما هیچ هستیم و هیچ نداریم و هر چه داریم از اوست و ما به سوی او برگشت می‌کنیم و از ما حساب می‌برند، ما را در حساب

واقع می‌کنند، این دو کلمه را اگر ما بفهمیم، با بندگان خدا آن‌طور که خدا راضی است و آن‌طور که امر خداست عمل می‌کنیم.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱۳/۵۱۰)

بر این اساس، امام (ع) مسئولان جمهوری اسلامی را همیشه با ذکر نمونه اجتماعی توصیه به رفتار عادلانه نموده است. ایشان خطاب به مسئولین نظام می‌فرماید: «جمهوری اسلامی معنایش این است که عدالت باشد، عدالت این است که این آدمی که الان احتیاج به من دارد، از خارج آمده الان، از راه دور آمده، به این اداره احتیاج دارد، زود رسیدگی بشود به احتیاج این. این‌طور نباشد که یک کسی که آشنای ما هست، جلو، کارش را انجام بدهیم، یک کسی که خیر، غریبه هست، عقب‌تر انجام بدهیم.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۲۰/۹)

۲. تقدیم مصالح جامعه بر مصالح فرد

در مقام تراحم مصالح فرد و جامعه از نگاه امام (ع) همیشه مصلحت جامعه مقدم بر مصلحت شخص است. به‌خصوص حاکمان مسلمان نباید به منافع خود فکر کنند، بلکه همیشه به مصالح مردم و منافع کشور بیندیشند و درصدد تحقق آن باشند. امام (ع) در این مورد می‌فرماید: «کسی که بر مسلمین و جامعه بشری حکومت دارد، همیشه باید جهات عمومی و منافع عامه را در نظر بگیرد؛ و از جهات خصوصی و عوطف شخصی چشم‌پوشد. لهذا اسلام بسیاری از افراد را در مقابل مصالح جامعه فانی کرده است؛ بسیاری از اشخاص را در مقابل مصالح بشر از بین برده است؛ ریشه بسیاری از طوایف را چون مفسده انگیز و برای جامعه مضر بوده‌اند، قطع کرده است. حضرت رسول (ص) یهود «بنی قریظه» را چون جماعت ناراحتی بودند و در جامعه اسلامی مفسده ایجاد کرده و به اسلام و حکومت اسلامی ضرر می‌رساندند، از میان برداشت.» (امام خمینی، بی‌تا: ۸۵)

همچنین اگر منافع شخصی با منافع عموم در تضاد باشد، به نظر امام (ع) منافع عامه مقدم است. ایشان در پاسخ به سؤال خبرنگاری که از نحوه استفاده از نفت می‌پرسد، می‌فرماید: «در تمام زمینه‌ها، ما در جهت منافع مردم خود گام برمی‌داریم و با آنچه صلاح آنان و پاسخ‌گوی آرمان اسلامی آنان باشد، عمل می‌کنیم.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۳۵۷/۴)

امام (ع) هم در مقام گفتار و هم در مقام عمل به تقدیم مصالح جامعه به‌عنوان یک اصل توجه داشت و بر آن تأکید می‌کرد. هیچ‌گاه امام (ع) به منافع شخصی فکر نکرد و در این زمینه گامی برنداشت.

۳. رحمت و مهربانی با مردم

رحمت از صفات خدای متعال است که آن را بر خود واجب کرده است. قرآن می‌فرماید: «كَتَبَ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ»؛ (انعام: ۱۲) {خداوند} رحمت (و بخشش) را بر خود، حتم کرده است. این صفت را خداوند به بندگان شایسته‌اش عنایت کرده و خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ»؛ (آل عمران: ۱۵۹) به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آمرزش بطلب.»

امام (ع) که به حق وارث انبیا بود، صفت رحمت و مهربانی را در خود پرورش داد و همیشه با مهر و محبت با دیگران برخورد داشت. در این زمینه به فرزندش چنین توصیه نمود: «پسرم! اگر می‌توانی با تفکر و تلقین نظر خود را نسبت به همه موجودات به‌ویژه انسان‌ها نظر رحمت و محبت کن، مگر نه این است که کافه موجودات از جهات عدیده که به احصا در نیاید مورد رحمت پروردگار عالمیان می‌باشند، مگر نه آنکه وجود حیات و تمام برکات و آثار آن از رحمت‌ها و موهبت‌های الهی است بر موجودات، و گفته‌اند: «کل موجود مرحوم» (قیصری، شرح فصوص الحکم: ۱/۱۷۶) {هر موجودی مشمول رحمت خداوند است.} مگر موجودی ممکن الوجود امکان دارد که از خود، به نفسه، چیزی داشته باشد یا موجودی مثل خود ممکن الوجود به او چیزی داده باشد، در این صورت رحمت رحمانیه است که جهان شمول است. مگر خداوند که رب العالمین است و تربیت او جهان شمول است تربیتش جلوه رحمت نیست، مگر رحمت و تربیت بدون عنایت و الطاف جهان شمول می‌شود. پس آنچه و آن کس که مورد عنایات و الطاف و محبت‌های الهی است چرا مورد محبت ما نباشد؟ و اگر نباشد این نقصی نیست برای ما؟ و کوتاه‌بینی و کوتاه‌نظری نیست؟» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱۶/۲۱۸)

۴. رفتار نیک با مردم

رفتار نیک با مردم در سیره اخلاقی حضرت امام (ع) فراوان دیده می‌شود و اگر برخورد ایشان را در ملاقات و تعاملات اجتماعی مطالعه کنیم، خواهیم دید که نیکی با دیگران در رفتار آن بزرگوار عجین شده است. رفتار همراه با احترام، تکریم و دلسوزی به مردم در سیره اخلاقی امام (ع) آشکار است و در تمام فعالیت‌های ایشان مشاهده می‌شود.

امام (ع) هر فعالیتی که در طول حیات پربارش انجام داد، اخلاص و یاری‌رسانی به مردم در آن آشکار بود. امام (ع) افزون بر اینکه خود خدمت‌گزار و دلسوز به مردم بود، دیگران را نیز به رفتار نیک با آنان سفارش می‌کرد. چنان‌که خدمت به محرومین را مکرر به مسئولان نظام توصیه می‌کرد. در این مورد خطاب به کارگزاران سیاسی می‌فرماید: «دولت واقعاً باید با تمام قدرت آن طوری که علی (ع) برای محرومین دل می‌سوزاند، این هم با تمام قدرت دل بسوزاند برای محرومین؛ مثل یک پدری که بچه‌هایش اگر گرسنه بمانند.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱۵۰/۱۸) رفتار پدرانۀ مسئولان نظام با مردم، خواست امام (ع) بود که از این کلمات به‌روشنی استفاده می‌شود.

امام (ع) در بیانی دیگر می‌فرماید: «باز هم موضوع مهم خدمت به محرومان و دورافتادگان را تذکر می‌دهم. با آنکه می‌دانم در این سال‌های محدود با گرفتاری‌های بی‌شمار عظیمی که کشور و دولت خدمت‌گزار با آن‌ها مواجه بود، حجم خدمت‌هایی که به روستاییان در تمام زمینه‌ها شده است چشم‌گیر و اعجاب‌آور است و دولت حقاً و انصافاً در این امر توفیق بسیار داشته است که با مقایسه با کارهای در طول رژیم‌های سابق می‌توان یافت؛ لکن باز کافی نیست و حق محرومان به آن نحو که دلخواه است ادا نشده {است}. امید است دولت با تمام توان خدمت خود را تعقیب و از خداوند تعالی توفیق خدمت طلب کند.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱۵۹/۱۹)

۵. خدمت‌گزاری به مردم

خدمت‌گزاری به مردم همواره مورد تأکید قوی و عملی پیامبر و اهل‌بیت (ع) بوده است و آن‌ها قبل از هرکس خود به آن عمل می‌کردند. یکی از بارزترین ویژگی‌های زندگی ائمه اطهار (ع)، خدمت به مردم بود که آن بزرگواران در طول حیات به آن توجه ویژه داشتند. امام خمینی (ع) با الهام از سیره معصومین (ع) خدمت به مردم و به‌خصوص رسیدگی به محرومین را جزو برنامه‌های اصلی خود قرار داده بود. امام (ع) در این زمینه خطاب به مسئولان حکومت می‌فرماید: «إن شاء الله خداوند همه شما را حفظ کند، موفق باشید. من دعاگوی همه هستم و شما احتمال این را بدهید که اگر به من بگویند خدمت‌گزار، بهتر از این است که بگویند رهبر. رهبری مطرح نیست، خدمت‌گزاری مطرح است. اسلام، ما را موظف کرده که خدمت بکنیم. خدمت‌گزاری مطرح است پیش ما.» (همان: ۴۶۴/۱۰)

این سخنان نشان دهنده آن است که خدمت‌گزاری در نگاه امام^(ع) با ارزش‌تر از رهبری است؛ چون مستقیماً با مردم در ارتباط است و مشکلات آن‌ها را برطرف می‌سازد. چنین اندیشه‌ای را هیچ‌کدام از رهبران سیاسی جهان شنیده نشده است که خدمت به جامعه را بر عنوان رهبری ترجیح دهد. روشن است که نگاه امام^(ع) به حکومت و سیاست، نگاه خدمت‌گزاری و ادای وظیفه دینی است.

امام^(ع) در جای دیگر خدمت‌گزاری به مردم را با خدمت در راه خدا مرتبط دانسته می‌فرماید: «من امیدوارم که خداوند همه شما را توفیق بدهد و همه ما را توفیق بدهد که برای خدا کار بکنیم، تا شکست در آن نباشد. این از همه توفیق‌ها بالاتر است که ما خودمان {را} طوری بکنیم که کارهای مان برای او باشد. خدمت به ملت، خدمت به اوست. خدمت به مملکت خود شما، خدمت به خداست. مملکت، مملکت خداست. خدمت کردن برای اینکه ما محتاج به اجانب نباشیم خدمت بزرگی است؛ خدمت الهی است؛ برای خداست این. کوشش کنید که کارتان برای خدا باشد. وقتی برای خدا باشد، از هیچ چیز باک نداشته باشید؛ خدا همراه شماست. کسی که خدا همراهش است، از هیچ چیز نباید باک داشته باشد.» (همان: ۴۴۵)

امام^(ع) خدمت‌گزاری به مردم را روش انبیا معرفی کرده می‌فرماید: «انبیا این طور احساس را داشتند. انبیا خودشان را خدمت‌گزار می‌دانستند، نه اینکه یک نبی‌ای خیال کند حکومت دارد به مردم. حکومت در کار نبوده. اولیای بزرگ خدا، انبیای بزرگ همین احساس را داشتند: که این‌ها آمدند برای اینکه مردم را هدایت کنند، ارشاد کنند، خدمت کنند به آن‌ها. شما هم احساس قلبی‌تان این مطلب باشد که واقعاً ما آمدیم که به این مردم خدمت کنیم و این خدمت به مردم، خدمت به خودمان است.» (همان: ۳۵۹/۱۵)

۶. امانت‌داری

امانت‌داری در قرآن و اسلام جایگاه ویژه دارد و آیات متعدد بر رعایت آن در جامعه اسلامی دلالت می‌کنند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»؛ (نسا: ۵۸) خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید. «ادای امانت به صاحبش واجب است و هرکس شرعاً موظف به رد آن است. در غیر این صورت فرد امانت‌دار مدیون صاحب امانت است.» (جصاص، ۱۴۰۵: ۱۴۰۵)

۱۹۹/۲) امانت‌داری از صفات انبیا الهی است و پیامبر اسلام (ص) به «محمد امین» مشهور بود. امام (ره) در بیان وظیفه شرعی امانت‌دار می‌فرماید: «کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسب تهیه نماید و طوری آن را نگهداری کند که مردم نگویند در امانت خیانت کرده و در نگهداری آن کوتاهی نموده است، و اگر در جایی که مناسب نیست بگذارد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.» (امام خمینی، ۱۳۷۵: م. ۲۳۳۴) شخص امانت‌دار وظیفه نگهداری امانت را شرعاً به عهده دارد و اگر کوتاهی کند ضامن است. این حکم دلیل بر اهمیت امانت‌داری از نظر اسلام است.

امام (ره) ضمن تأکید بر اصل امانت‌داری، امانت را به دو دسته امانت مادی و معنوی تقسیم نموده به امانت معنوی اهتمام بیشتر قائل است. به نظر ایشان اسلام و قرآن هر دو امانت‌های الهی هستند که باید آن‌ها را حفظ کرد. در این مورد می‌فرماید: «وقتی که اسلام امروز در دست ما امانت است، امانتی است که از دست رسول الله (ص) ما اخذ کردیم و لازم است که او را حفظ کنیم و به این امانت خیانت نکنیم؛ وقتی که ما همچو امانت‌داری هستیم، تکلیف همه ماست که ادا کنیم این امانت را و سالم و قوی به نسل‌های دیگر تحویل بدهیم.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۸/۱۵) امام (ره) در مورد قرآن می‌فرماید: «قرآن کریم امانت بزرگ خداست؛ علما و روحانیون امانت‌دار الهی هستند.» (امام خمینی، بی‌تا: ۶۹)

امام (ره) در ملاقات با کارگزاران نظام می‌فرماید: «هر کس در هر جا هست و هر جا خدمت می‌کند، یکی از اموری که بسیار برای او لازم است، امانت است؛ امین باید باشد. اگر خدای نخواسته، در یک گروهی اشخاص غیر امین و اشخاص خائن پیدا بشود، یک وقت می‌فهمیم که تمام آن گروه را این‌ها به بدنامی کشیدند یا به فساد. از امور لازم، امانت است در امور. برای بازرس‌ها امانت از امور بسیار لازم است. آن‌هایی که در شغل بازرسی هستند، آن‌ها باید امین باشند.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۲۳۹/۱۷)

امام (ره) در این زمینه به همه جوانان توصیه کرده می‌فرماید: «کوشش کنید که هر قدمی که برای علم برمی‌دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوا در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان‌شاء الله بیرون می‌آیید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانت‌دار باشید. برای معلوماتتان، هم امانت‌دار باشید و هم تزکیه نفس کرده باشید.» (امام خمینی، بی‌تا: ۲۰)

دو) اخلاق سیاسی

رفتار سیاسی به موضع‌گیری و عملکرد شخص در حوزه سیاست و اداره جامعه اطلاق می‌شود که رهبران سیاسی و حاکمان کشورها در تنظیم و تدبیر امور اجتماعی انجام می‌دهند. حضرت امام^(ع) به‌عنوان یک رهبر دینی و سیاسی جامع و خبره، روش خاصی در اداره جامعه داشت که مبتنی بر اصولی برآمده از قرآن و سنت بود. در این قسمت از مقاله به نمونه‌هایی از رفتارهای سیاسی امام^(ع) اشاره می‌شود.

۱. وظیفه‌انگاری حکومت

امام^(ع) برقراری حکومت اسلامی را به‌عنوان وظیفه دینی و اجتماعی معرفی نموده برای تحقق آن تلاش کرد. این موضوع را به همه سلاطین و حاکمان جهان اسلام اعلام داشته فرمود: «اساساً حکومت کردن و زمامداری در اسلام یک تکلیف و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمامداری، گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز بر عهده اوست که باید انجام دهد. حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، و سیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهد به نفع خود حقوق ملتی را پایمال کند.» (صحیفه: ۵/۴۰۹)

این سخنان امام^(ع) بیان صریح در مورد وظیفه‌انگاری حکومت است و این پیام را به مخاطبان می‌رساند که حکومت، تکلیفی الهی است و باید برای اجرای احکام اسلام برقرار گردد، نه برای قدرت‌طلبی، سلطه‌جویی و دست‌یابی به پول و ریاست. امام^(ع) در موضوع وظیفه‌انگاری کار در حکومت می‌فرماید: «یک مسئله‌ای است که تکلیف الهی است برای همه ما؛ هر فردی که می‌بیند وجودش در یک جایی مفید است و می‌تواند، {باید} خدمت بکند. این یک تکلیف است [که] امروز باید همه عمل کنند. باید همه ما به این تکلیف عمل بکنیم. ما همه‌مان موظفیم، مکلفیم، که الآن این نهضت را حفظ کنیم، در هر جا که شما وجودتان مفید است [انجام وظیفه کنید].» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۳۸۷/۵)

امام^(ع) در توضیح رابطه دولت و ملت می‌فرماید: «اسلام در رابطه بین دولت و زمامدار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز چنین رابطه‌ای، یعنی رابطه مسلط و زیر سلطه، به وجود نمی‌آید. اساساً حکومت کردن و زمامداری در اسلام یک تکلیف

و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمامداری، گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز بر عهده اوست که باید انجام دهد. «(همان: ۴۱۰)

۲. اهتمام به بیت‌المال مسلمین

بیت‌المال به اموال عمومی و سرمایه ملی اطلاق می‌شود که مربوط به همه مسلمانان و عموم مردم یک مملکت است. اسلام نسبت به جمع‌آوری، حفظ و توزیع عادلانه بیت‌المال بین مسلمانان تأکید بسیار کرده و حاکمان اسلامی را به رعایت آن توصیه نموده است. امام (ع) به این امر توجه فراوان داشت و مسئولان نظام را مکرر به رعایت آن سفارش می‌کرد. در این زمینه می‌فرماید: «حکومت‌های اسلامی باید بیت‌المال مسلمین را برای جلال و جبروت خودشان صرف نکنند، بیت‌المال مسلمین صرف آن چیزی بشود که برای مسلمین است. وزارتخانه‌ها باید وقتی که می‌بینند که کارمند بیت‌المال مسلمین هستند و از آنجا حقوق می‌گیرند و ارتزاق می‌کنند و اداره، اداره بیت‌المال مسلمین است، حتی در آن مسائلی که حضرت امیر (ع) گفته ملاحظه کنند، کوچک نشمرند مسئله را، مسئله بیت‌المال مسلمین است و دستور، دستور اسلام است به حد ضرورت.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۳۷۵/۱۹)

امام (ع) با سفارش کلی به حاکمان مسلمان به نمونه‌های عینی بیت‌المال و صرفه‌جویی در آن‌ها اشاره کرده می‌فرماید: «حتی مطبوعات باید این توجه را داشته باشند که چیزهایی که برای ملت مفید نیست در روزنامه‌ها ننویسند، کاغذ صرف این نکنند، وقت صرف این نکنند. باید رادیو - تلویزیون توجه به این معنا داشته باشد که این از بیت‌المال مسلمین است، باید وقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین نیست، نشود، مسئولیت دارد اینها. باید اشخاصی که، مقاماتی که هستند، ملاحظه کنند که به اندازه ضرورت مشاور بگیرند، به اندازه ضرورت خدمتگزار بگیرند، نه به اندازه دلخواه. و این معنا را باید همه ما بدانیم که دلخواه‌های ما آخر ندارد. (همان)

۳. اهتمام به رعایت حق الناس

حق الناس دارای اهمیت فراوان در فقه اسلامی است و رعایت آن در جامعه بر همه مردم واجب است. از نظر اسلام هیچ‌کس حق ندارد بدون مجوز شرعی حقوق دیگران

را نادیده انگارد. چرا که در صورت عدم رعایت حقوق الناس نظم جامعه به هم می‌خورد و در نتیجه اختلال نظام پیش می‌آید. امام^(ع) به فرزندشان در زمینه حق الناس این گونه سفارش می‌کند: «پسرم! سعی کن که با حق الناس از این جهان رخت نبندی که کار بسیار مشکل می‌شود. سر و کار انسان با خدای تعالی که ارحم الراحمین است بسیار سهل‌تر است تا سر و کار با انسان‌ها. به خداوند تعالی پناه می‌برم از گرفتاری خود و تو و مؤمنین در حقوق مردم و سر و کار با انسان‌های گرفتار. و این نه به آن معنی است که در حقوق الله و معاصی سهل‌انگاری کنی.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۲۲۴/۱۶)

امام^(ع) اهمیت به حق الناس به عنوان یک پدر مهربان به فرزندش بیان کرده و او را از نادیده گرفتن آن به شدت بر حذر داشته است. این توصیه امام^(ع) هرچند به فرزند ارائه شده، ولی جنبه اجتماعی و حکومتی دارد و در حقیقت متوجه همه انسان‌ها و به خصوص مسئولان نظام است. چرا که ابتلای آنان با حقوق الناس و تعاملات با مردم بیش از دیگران است. اگر سیاست‌مداران و کارگزاران به حقوق مردم توجه نکنند، بیشتر از افراد عادی گرفتار عقوبت می‌شوند. همان گونه که امام علی^(ع) در زمان خلافت به بعضی از حقوق مردم به عهده حکومت اشاره کرده و خود را مسئول آن معرفی کرده است. (بحار: ۲۵۱/۳۷) بنابراین، حاکمان باید دو نوع مراقبت از حقوق مردم داشته باشند؛ یکی خود حقوق دیگران را رعایت کنند و دیگر اینکه تلاش کنند حقوق مردم از بین نروند.

امام^(ع) در علت‌یابی اهمیت حق الناس می‌فرماید: «اگر خدای نخواستہ انسان با حقوق مردم از دنیا برود، کارش بسیار مشکل شود. در حقوق الهی سر و کار با کریم و رحیم می‌باشد که در ساحت مقدسش بغض و کینه، عداوت و تشقی راه ندارد، ولی اگر سر و کار با بندگان شد، ممکن است گرفتار کسی شود که دارای این گونه اخلاق باشد و از انسان بدین زودی‌ها نگذرد یا هیچ‌وقت از او راضی نشود. پس، بر انسان لازم است که مواظب حال خودش خیلی باشد، و این ملاحظات را بنماید که مطلب بسیار خطرناک است و امر بسیار مشکل است.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۳۰۸) دلیل سختی ناشی از حق الناس این است که انسان بدون رضایت صاحب حق بخشیده نمی‌شود و انسان‌ها معمولاً در عفو و بخشش سخت‌گیرند. اما خداوند «سریع‌الرضا» است و زود از معصیت کار راضی شده حقش را می‌بخشد. حضرت امام^(ع) دقیقاً به این امر توجه کرده و حق الناس را با اهمیت‌تر از حق الله معرفی کرده است. بر این اساس، امام^(ع) در طول

حیات توجه کامل به حقوق الناس داشت و مردم را به رعایت همدیگر توصیه می‌کرد.

۴. محرومیت‌زدایی از جامعه

فقر و محرومیت از مشکلات اغلب جوامع انسانی است. در حالی که اسلام بر رفاه عمومی تأکید دارد و کمک به نیازمندان را برترین فضیلت اجتماعی شمرده است. امام^(ع) برای رسیدن به این هدف از آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی برنامه‌ریزی‌های مؤثری انجام داد. تشکیل کمیته امداد و افتتاح شماره حساب بدین منظور از جمله طرح‌های مهم در راستای محرومیت‌زدایی بود که به خوبی اجرا شد و تاکنون در بسیاری از کشورهای جهان به نیازمندان کمک‌رسانی دارد. امام^(ع) در پیام ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ خطاب به ملت ایران می‌فرماید: «ملت عزیز! برادران و خواهران دلیر و مبارز (آیدهم الله تعالی) اینک به مرحله حساسی از دوران انقلاب اسلامی خود رسیده‌ایم. دوران سازندگی، دورانی که باید از ثمرات انقلاب‌مان مردم محروم و ستم‌دیده ایران بهره‌مند شوند؛ دورانی که باید شکوه نظام عدل اسلامی را لمس کنید؛ دورانی که همه باید دست‌به‌دست هم بدهیم تا ریشه فقر و استضعاف را برکنیم. شما مردم شریف ایران در جریان مبارزه با استعمار و استثمار پیروزی بزرگی به دست آوردید و توانستید با انکال به خدای متعال و وحدت کلمه و مشارکت همه قشرها بر طاغوت زمان غلبه کنید و پشت ابرقدرت‌ها را بلرزانید. اکنون نیز با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید، و با تأیید الهی به نجات مردم مستضعف کمر همت ببندید.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۵۲۰/۶)

امام^(ع) در سخن دیگر برای محرومیت‌زدایی از جامعه به خود مردم توجه کرده از آن‌ها استمداد می‌طلبد. در این مورد می‌فرماید: «یک تجربه تازه از بسیج نیروی ایمان جامعه در راه تعاون اسلامی و مبارزه با محرومیت است که ملت با توفیق الهی باید از آن نیز سرفراز درآید. من با کمال تواضع از ملت عزیز در این امر حیاتی استمداد می‌کنم و سلامت و سعادت همگان را خواستارم.» (همان: ۵۲۲) امام^(ع) در قول و عمل به محرومیت‌زدایی از جامعه متعهد بود و دستورات مؤکد به مسئولان نظام ارائه می‌داد. ایشان ضمن دعا برای دولت بر رفع محرومیت تأکید نموده می‌فرماید: «خداوند همه ما و شما را موفق کند که خدمت‌گزار اسلام، خدمت‌گزار این مستمندان و این‌هایی که در طول تاریخ شاهنشاهی توسری خورده‌اند و محروم بوده‌اند باشیم.

نگذارند اینها به محرومیت باقی باشند. دولت توجه به این معنا داشته باشد که در اینجاهای دورافتاده توجه زیادتربکنند و اینها را یکقدری به آنها رسیدگی بکنند. و خداوند همه شما را موفق و ما را هم ان شاء الله، از خدمت گزاران شما حساب کند.» (همان: ۴۷۰/۱۶)

۵. کنترل قدرت سیاسی

قدرت و ریاست معمولاً آسیب‌زا است و بر اغلب انسان‌های اثر سوء می‌گذارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ»؛ به یقین انسان طغیان می‌کند» (علق: ۶) قدرت و ریاست یکی از عوامل طغیان انسان است که تاریخ سلاطین گواه آن است. امام صادق^(ع) به ابو حمزه ثمالی می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالرَّئِيسَةَ» (کلینی، ۱۳۶۸ق: ۳۹۸/۲) از ریاست پرهیز کن. دلیل این امر، طغیان‌گری انسان است که با قدرت و ریاست تحریک می‌شود. امام صادق^(ع) از و رود به این وادی خطرناک منع کرده است. البته اگر سیاست‌مداران و کارگزاران حکومت اخلاق اسلامی و تقوای الهی را داشته باشند، قدرت را در مسیر درست به کار می‌گیرند. امام خمینی^(ره) عامل کنترل آسیب‌های قدرت سیاسی را در اخلاق می‌بیند و ارزش‌های اسلامی را رام‌کننده ریاست معرفی می‌کند. عدالت زمامداران مورد تأکید امام^(ره) بوده که در سخنرانی‌های مختلف به آن توصیه کرده است.

همچنین حضرت امام^(ره) بر اساس قرآن و روایات تقوا را برای حاکم لازم می‌داند تا از ارتکاب فساد و ناروایی او جلوگیری کند. ایشان با استناد به آیه «أَنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَّقِيكُمْ» (حجرات: ۱۳) می‌فرماید: «در اسلام تقوا مطرح است. آن که تقوا دارد، هر که تقوایش زیادترب است، پیش خدا کرامتش زیادترب است. آن کارمندی که در کارمندی‌اش تقوا دارد، آن نخست‌وزیری که در نخست‌وزیری‌اش تقوا دارد، تقوای سیاسی دارد، آن وزرایی که تقوا دارند، در کارهایی که می‌کنند متقی هستند، با خدا هستند، آن رئیس‌جمهوری که تقوا دارد، الهی است، اینها کریم‌اند. و اگر خدای نخواسته تقوا در کار نباشد، همه از نظر خدا منفی‌اند. آن روزی که بر ملت تقوا پیدا بشود ملت برومند است، کریم است، پیش خدا اکرم است.» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۳۱۴/۶) به خاطر انصاف به عدالت و تقوا و دیگر ارزش‌های اخلاقی است که پیامبران با داشتن قدرت، هرگز خطا و خلافی از آنها سر نمی‌زد. امام^(ره) در این زمینه فرمود: «انبیا و اولیا که هر چه

بر آن‌ها وارد می‌شد، هر چه قدرت در عالم وارد می‌شد بر آن‌ها، هیچ در آن‌ها تأثیری نمی‌کرد. آن کسی که زمام یک مملکتی که از حجاز گرفته تا مصر و همه اینجاها را؛ ایران و سایر جاها تحت سلطه او بود، و قدرت جسمی و روحی خودش آن‌طور بود، می‌بینیم که از یکی از افراد پایین و متوسط متواضع‌تر است. و این قدرت‌ها ابداً در روح او تأثیر نکرده، برای اینکه روح، این قدر بزرگ است که همه عالم را می‌گیرد.» (همان)

نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی رابطه انقلاب اسلامی و اخلاق از منظر امام (ره) پرداخت و روشن شد که انقلاب اسلامی به نظر امام ره تأثیر بسزا بر اخلاق اجتماعی مسلمانان جهان و بخصوص مردم ایران داشته است. این موضوع در دو بخش نظریه و عمل و با استناد به سخن و سیره حضرت امام (ره) مورد تحقیق قرار گرفت و به خوانندگان ارائه گردید. سؤال اصلی تحقیق با استناد به آثار حضرت امام ره پاسخ داده شد و روشن گردید که: نظریه اخلاقی امام (ره) در واقع نشئت گرفته از متون دینی قرآن و احادیث معصومین (ع) است که در رشد روحی و معنوی انسان و رسیدن او به قرب الهی نقش اساسی دارد. ویژگی‌های انسان از قبیل ارزشمندی، اراده و اختیار و کمال‌خواهی به‌عنوان مبانی اخلاق از نظر امام ره به دست می‌آید که به آن اشاره شد. همچنین امام (ره) اخلاق را دارای صفاتی همچون جامع‌نگری، تقدیم معنویات بر مادیات، اعتدال‌گرایی، عقلانیت و برآمده ناشی از انگیزه درست می‌داند که انسان را به مطلوب‌نهایی هدایت می‌کند. اخلاق عملی که مهم‌ترین بخش اخلاق از نظر امام (ره) است در این نوشتار در دو دسته رفتارهای اجتماعی و سیاسی ارائه گردید. اخلاق اجتماعی به عدالت اجتماعی، تقدیم مصالح جامعه بر مصالح فرد، مهربانی، رفتار نیک و خدمت به مردم و نیز امانت‌داری اشاره شد. در اخلاق سیاسی به وظیفه‌انگاری حکومت، اهتمام به بیت‌المال، رعایت حقوق الناس، محرومیت‌زدایی و کنترل قدرت مورد توجه قرار گرفت که هر کدام جایگاه ویژه‌ای در کلام و سیره امام (ره) دارند. به هر صورت، دیدگاه امام (ره) به اخلاق دیدگاه جامع است، به همه ابعاد نظری و عملی آن توجه کرده و این مطلب از آثار ایشان مانند چهل حدیث، سر الصلاة، آداب الصلاة و... و همچنین سخنان مکتوبشان در صحیفه امام به‌روشنی قابل دست‌یابی است. امام (ره) اخلاق را وسیله رسیدن به معنویت و تقرب به خدای متعال می‌داند، امام (ره) به اخلاق سیاسی و اجتماعی تأکید فراوان

دارد، نگاه امام^(ع) به اخلاق نگاه فراملیتی و جهانی است و توصیه‌های او همه مردم و سیاستمداران جهان را فرامی‌گیرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: آیت‌الله مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۸.
- اخلاق کارگزاران در کلام امام خمینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
- اخلاقی، مرضیه و شایسته شریعتمداری، انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- امام خمینی، روح‌الله، ولایت‌فقیه و جهاد اکبر، بی‌جا، بی‌تا.
- _____، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی^(ع)، ۱۳۷۱.
- _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع)، ۱۳۷۷.
- _____، شرح دعای سحر، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- _____، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
- _____، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۸.
- _____، توضیح المسائل، قم، نشر روح، ۱۳۷۵.
- _____، سر الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- _____، وظایف مسئولین و..از دیدگاه امام خمینی، تهیه: رسول سعادت‌مند، قم، تسنیم، ۱۳۸۲.
- برزگر، ابراهیم، اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، سمت، ۱۳۹۱.
- توفیقی، حسین، ادیان بزرگ جهان.
- جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، تهران، پیروز، ۱۳۵۴.
- جصاص، احمد، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۹۹.
- جمشیدی، محمد حسین، اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، پژوهشکده امام خمینی، ۱۳۸۸.
- جوادی آملی، عبدالله، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، قم، مرکز اسراء، ۱۳۸۳.
- جوانان از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
- حکومت از دیدگاه امام خمینی، تهران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- شیروانی، علی، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، قم، دارالفکر، ۱۳۸۴.

- فراهانی، مجتبی، *تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
- قیصری، داود، *شرح فصوص الحکم ابن عربی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث، الطبعة الثالثة ۱۴۰۳ ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی، *انسان سازی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
- _____، *فلسفه اخلاق*، نگارش احمد حسین شریفی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- _____، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- _____، *انسان سازی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
- _____، *فلسفه اخلاق*، نگارش احمد حسین شریفی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
- *مقالات اخلاقی*، کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲.
- موسوی اردبیلی، عبدالغنی، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
- هرسیج، حسین و دیگران، *مبانی نظری اندیشه‌های سیاسی امام خمینی*، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی